

## سُورَةُ الْفَاتِحَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی. (۱)

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲)

همه ستایش ها، ویژه خدا، مالک و مرتبی جهانیان است. (۲)

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳) مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ (۴)

رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی. (۳) منحصرأ فرمانروای روز پاداش و کیفر است. (۴)

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (۵) أَهْدِنَا

[پروردگارا!] تنها تو را می پرستیم و فقط از تو یاری می خواهیم. (۵) ما را به راه مستقیم

الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (۶) صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ

هدایت فرما. (۶) راه کسانی [چون پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان که به خاطر نشان دادن

عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ

شایستگی [نعمت [ایمان و عمل خالص و اخلاق حسنه به آنان] عطا کردی،

وَلَا الضَّالِّينَ (۷)

آن [انسان های والایی] که نه مورد خشم تواند و نه گمراهاند. (۷)

## سُورَةُ الْبَقَرَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

الْم (۱) ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى

الم (۱) در [وحی بودن و حَقَانِیت [این کتاب [با عظمت [هیچ شکی نیست، سراسرش

لِلْمُتَّقِينَ (۲) الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ

برای پرهیزکاران هدایت است. (۲) آنان که به غیب ایمان دارند و نماز را بر پا می دارند و از آنچه

وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۳) وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ

به آنان روزی داده ایم انفاق می کنند. (۳) و آنان که به آنچه به سوی تو و به آنچه

إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَيَا آخِرَةَ هُمْ يُوقِنُونَ (۴)

پیش از تو نازل شده، مؤمن هستند و به آخرت یقین دارند. (۴)

أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ

انانند که از سوی پروردگارشان بر [راه] هدایتاند و

هُمْ الْمُقْتَدِرُونَ (۵)

انانند که [بر موانع راه سعادت] پیروزاند. (۵)



إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ  
 ﴿٦﴾ خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشْوَةٌ  
 وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٧﴾ وَمَنْ النَّاسُ مِنْ يَقُولُ ءَأَمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ  
 الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ ءَأَمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ  
 إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ  
 مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ يُمَآكِنُوا يَكْذِبُونَ ﴿١٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ  
 لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ﴿١١﴾ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ  
 الْمُفْسِدُونَ وَلَٰكِن لَّا يَشْعُرُونَ ﴿١٢﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَأَمِنُوا كَمَا  
 ءَأَمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا ءَأَمَنَ السُّفَهَاءُ ؕ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ  
 وَلَٰكِن لَّا يَعْلَمُونَ ﴿١٣﴾ وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَأَمَنُوا قَالُوا ءَأَمِنُوا وَإِذَا  
 خَلَوْا إِلَىٰ شَيْطَانِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزَءُونَ ﴿١٤﴾ اللَّهُ  
 يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدِّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٥﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا  
 الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٦﴾

می‌آوردید برای آنان که کافر [به خدا و آیتانش] هستند، مساوی است که [از عذاب] بپشیمان دهی یا بپشیمان ندهی، ایمان نمی‌آورند.  
 (۶) خدا [به کافر] کفرشان [بر دلها و گوش‌هایشان مهر] آید، چشم‌های [دلشان] پرده‌ای [از تاریکی] است که فروغ هدایت را نمی‌بیند؛  
 و برای آنان عذاب بزرگ است. (۷) و گروهی از مردم [که اهل نفاقند] می‌گویند: ما به خدا و روز قیامت ایمان آوردیم،  
 در حالی که آنان کفر میکنند. (۸) [به کمان باطنشان] می‌خواهند خدا و اهل ایمان را فریب دهند، در حالی که جز خودشان را فریب نمی‌دهند،  
 ولی [این حقیقت را] درک نمی‌کنند. (۹) در دل آنان بیماری [سخنی از نفاق] است، پس خدا به کافر بافتن  
 بر بیماریشان افزود، و آنان را به خاطر آنکه همواره دروغ می‌گویند، عذابی دردناک است. (۱۰) چون به آنان گویند:  
 در زمین فساد نکنید، می‌گویند: فقط ما اصلاح‌گרים! (۱۱) آگاه باشید! آنها فساد  
 خودشان اهل فسادند، ولی درک نمی‌کنند. (۱۲) چون به آنان گویند: ایمان آورید چنان‌که  
 دیگر مردم ایمان آوردند می‌گویند: آیا ما هم مانند سبک معران ایمان آوریم؟ آگاه باشید! قطعاً ایمان خود سبک معرند، ولی [از شدت کوردلی  
 به این حقیقت] آگاه نیستند. (۱۳) هنگامی که با اهل ایمان دیدار کنند، گویند: ما ایمان آوردیم و چون با  
 خلوا [به کفر] این کار می‌فراواند در دنیا و آخرت. [عذاب خواهد کرد، و آنان را در سرکشی و نخورشان مبتل می‌دهد] تا در گمراهی‌شان [سرگردان و حیران بنماند] (۱۵) آن کسانی هستند  
 که گمراهی را به جای هدایت خریدند، پس تجارتشان سود نکرد و از راه بافتگان [به سوی حق] نبودند. (۱۶)

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ  
 بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ ﴿١٧﴾ صُمُّ بُكْمٌ عُمْىٰ فَهُمْ لَا  
 يَرْجِعُونَ ﴿١٨﴾ أَوْ كَصَيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ  
 أَصْبِعَهُمْ فِي ءَأَذَانِهِمْ مِّنَ الصَّوْعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿١٩﴾  
 يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كَلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشْوَافِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ  
 عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَرِهِمْ ؕ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ  
 كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾ يَأْتِيهَا النَّاسُ أَعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ  
 الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٢١﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَ  
 السَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِن الثَّمَرَاتِ رِزْقًا  
 لَّكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾ وَإِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ  
 مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ  
 مِّن دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٣﴾ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَٰن تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا  
 النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ ۗ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿٢٤﴾

سرگشت آنان مانند کسانی است که [در شب سراسر تاریک] آتش افروختند [تا در یزوت آن خود را از خطر نجات دهند]، چون آتش بی‌روشان را روشن ساخت، خدا  
 [به وسیله نورش] بپشیمان [چنان] را خاموش کرد، و آنان را در تاریکی‌هایی که مطلقاً نمی‌بینند و گمگشت (۱۷) و آن [گمراهی و حیرت] به سوی هدایت  
 باز نمی‌گردند. (۱۸) [سرگشت آنان] سرگشت [آبشار شدن] به [بیماری شدید از آسمان است که در آن تگرگ، تگرگها و رعد و برق است، [این] گمگشتگان را  
 از [هدای] می‌بازد] یا معجزه به خاطر آنکه در کفر باطنشان می‌کوبد [در حالی که راه تگرگ را از تگرگ برای آنان بست] و خدا به کافران احاطه [همه جانبه] دارد.  
 (۱۹) نزدیک است که آن برق [بسیار خشنود، روشنی] چشم‌های آنان را برباید؛ زمانی که آنان را روشنی دهد، در آن روشنی راه می‌روند و چون  
 محیط را بر آنان تاریک کند، می‌پسند و اگر خدا می‌خواست [آشوبی] گوش و بینایی] چشم آنان را نابود می‌کرد، زیرا خدا بر  
 هر کاری تواناست. (۲۰) ای مردم! بی‌وزن‌گاران را که شما و پشیمان شما را آفریده است، ببینید  
 تا آیا ببینید او [بویا] پسته شود. (۲۱) آن بی‌وزن‌گاری که زمین را برای شما بستری گسترده و  
 آسمان را سقفی برافراشته قرار داد و از آسمان آبی [چون برف و باران] نازل کرد و به وسیله آن از میوه‌های گوناگون روزی مناسبی برای شما پدید  
 آورد؛ پس برای خدا همتایی قرار ندهید در حالی که می‌دانید [برای خدا در آفرین روزی دادن، همتایی وجود ندارد]. (۲۲) و اگر در بوجی بود، آنچه  
 ما بر بنده خود [محتقد] نازل کردیم، در تردید و شک هستید پس سوره‌ای مانند آن بیاورید، و برای این کار شاهدان خود را [از فصحا و لغویان  
 بزرگ عرب] در برابر خدا قرار دهید، اگر در گفتار آن که این قرآن وحی نیست راستگو هستید. (۲۳) و اگر این کار را انجام ندادید - که هرگز  
 نمی‌توانید انجام دهید - نهایتاً از آتشی که همیشه مردم و سنگ‌ها بپزهیزد؛ آتشی که برای کافران آماده شده است. (۲۴)